

عوامل مؤثر بر وجود یا عدم وجود عوامل اصلی تشکیل دهنده تله‌ی محرومیت در مناطق روستایی شهرستان شیروان و چرداول در استان ایلام

دریافت مقاله: ۹۱/۳/۲۳ پذیرش نهایی: ۹۲/۴/۲۴

صفحات: ۱۳۱-۱۱۳

علیرضا جمشیدی: دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان

Email: alireza472003@yahoo.com

سیداسکندر صیدایی: استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان

Email: s.seidaiy@geo.ui.ac.ir

معصومه جمشیدی: دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان

Email: masomeh_jamshidi@yahoo.com

علیرضا غلامی: دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان

Email: alireza.gholami65@gmail.com

داود جمینی: دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان

Email: davood.jamini@gmail.com

چکیده

هدف این نوشتار بررسی عوامل مؤثر بر وجود یا عدم وجود عوامل اصلی تشکیل دهنده تله‌ی محرومیت در جوامع روستایی شهرستان شیروان و چرداول است. این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است که به روش پیمایشی اجرا شده است. اطلاعات مورد نیاز پژوهش از طریق انجام مصاحبه‌های حضوری و با استفاده از پرسشنامه در سال زراعی ۸۹-۱۳۸۸، به دست آمد. جامعه آماری تحقیق کلیه خانوارهای ساکن در روستاهای شهرستان شیروان و چرداول بودند که در امر کشاورزی (زراعت یا دام‌پروری و یا هر دو باهم) اشتغال دارند ($N=8099$)، از این میان، ۲۰۰ خانوار، به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب چند مرحله‌ای و با استفاده از فرمول کوکران، به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ضریب آلفای کرونباخ و ضریب KMO در قسمت اصلی ابزار جمع‌آوری‌کننده اطلاعات نشان داد که وسیله‌ی تحقیق قابلیت زیادی برای جمع‌آوری اطلاعات را دارا می‌باشد. برای علت‌یابی متغیرهای مؤثر در چگونگی وجود یا عدم وجود عوامل اصلی تشکیل دهنده تله‌ی محرومیت در جوامع روستایی از مدل تحلیل مسیر بهره گرفته شده است. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که متغیرهای خسارت و دورافتادگی محل سکونت از مراکز سرویس‌دهی و خدمات

بر عامل آسیب‌پذیری، متغیرهای ملاقات بر نخبگان سیاسی مذهبی شهرستان و سطح سواد بر عامل انزوا، عوامل سیاسی - اجتماعی بر عامل بی‌قدرتی، متغیرهای میزان هزینه‌های مورد استفاده در بخش کشاورزی و درآمد کل خانوار بر عامل فقر، و متغیرهای بهره‌وری عوامل تولید و نیروی انسانی بر عامل ضعف جسمانی دارای اثرات مستقیم و به‌طور مثبت و معنی‌داری بر وجود عوامل اصلی تشکیل دهنده‌ی تله‌ی محرومیت در جوامع روستایی شهرستان شیروان و چرداول تأثیرگذار بوده‌اند.

کلید واژگان: تله محرومیت، مناطق روستایی، توسعه روستایی، تحلیل مسیر، شهرستان شیروان و چرداول.

مقدمه

امروزه، این مسئله آشکار شده که لازمه‌ی رسیدن به توسعه، توجه به روستاها و بخش روستایی به‌عنوان بخش پایه است. با توجه به اینکه عمده‌ی جمعیت فقیر جهان در مناطق و بافت‌های روستایی کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند، فقر یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین موضوعات در حیطه‌ی توسعه‌ی روستایی محسوب می‌شود (جمعه‌پور و احمدی، ۱۳۹۰: ۳۴). نگاهی به آمارهای فقر در کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد، که هرچند فقر در هر دو جامعه‌ی شهری و روستایی به چشم می‌خورد، لیکن اغلب افراد فقیر در روستاها ساکن می‌باشند. شدت فقر در مناطق روستایی غالباً بیشتر از مناطق شهری است. با توجه به اینکه افراد ساکن در روستاها اغلب به مشاغل کشاورزی و دامداری اشتغال دارند، و این مشاغل در کشورهای در حال توسعه عموماً به‌صورت سنتی و با بهره‌وری پایینی همراه می‌باشند، لذا، به‌نظر می‌رسد که رابطه‌ی مستقیمی بین میزان بهره‌وری و کاهش فقر در این جوامع وجود داشته باشد (مؤمنی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۰). فقر، محرومیت و چگونگی برخورد دولت‌ها با این مشکل، در بیشتر کشورها یکی از مسائل و مشکلات مهم برای دولت‌ها و به‌ویژه برنامه‌ریزان به‌شمار می‌آید. در این میان، فقر در جوامع روستایی، یکی از چالش‌های مهم برشمرده می‌شود که ذهن بسیاری از جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران مسائل توسعه روستایی را به خود معطوف کرده است. با بررسی خانوارهای فقیر و محیط اطرافشان می‌توان مشاهده کرد، مجموعه‌ای از عوامل، فقر، ضعف جسمانی، آسیب‌پذیری، انزوا و بی‌قدرتی، به‌هم‌گره خورده‌اند. این پدیده به‌عنوان دور باطل فقر، بیماری فقر، تله محرومیت و نیز تله فقر توصیف می‌شود (چمبرز، ۱۳۷۷:

۱۴۰). رویکردی که در این قسمت مطرح می‌شود، بر اساس فضای مفهومی تله محرومیت چمبرز (۱۹۸۹)، می‌باشد. در این بررسی تله در بر گیرنده موارد زیر است:

۱) فقر خانوار روستایی: خانوارهای روستایی معمولاً زمین اجاره‌ای و یا سهم‌بری در اختیار دارند و برای تأمین نهاده‌ها، وسایل مورد نیاز کشاورزی و اخذ وام به همسایگان، خویشاوندان و دولت وابسته‌اند. پاره‌ای از عوامل فقر شامل تولید کم، قیمت نازل نیروی کار و محصولات تولیدی فقرا، قدرت ذخیره‌سازی ناچیز، بیکاری و غیره است (زاهدی عبقری، ۱۳۷۵: ۱۹۴ و چمبرز، ۱۳۷۷: ۱۴۰).

۲) ضعف جسمانی اعضای خانوار: تعداد زیادی از افراد، به بزرگسالانی که از سلامت جسمی برخوردارند، وابسته می‌باشند. روند وابستگی افراد از کار افتاده و بیمار به مراتب بیشتر از سایر گروه‌های فرعی است. به علاوه بزرگسالان به طور فصلی و یا دائماً از نظر وقت و انرژی کار در مضیقه هستند (چمبرز، ۱۳۷۷: ۱۴۱).

۳) انزوای خانوار: خانوار نسبت به دنیای خارج بیگانه است. از شهر دور افتاده و ارتباطات با مرکز بسیار کم و در پیرامون قرار گرفته است. سطح تحصیلات در این خانوارها کم، میزان شرکت آنان در جلسات عمومی در سطح بسیار پایین، مسافرت بسیار محدود و وابستگی بسیار زیادی به محل خود دارند (چمبرز، ۱۳۷۷: ۱۴۲).

۴) آسیب‌پذیری خانوار: نیازهای کوچک با ذخیره ناچیز نقدی خانوار، تقلیل مصرف، معاوضه، استقراض از دوستان، بستگان و بخش خصوصی برطرف می‌گردد. در فصل زمستان، زمانی که بیماری و کار کشاورزی با یکدیگر مترادف می‌شود و به هنگام عدم بارندگی در فصول کشاورزی، آسیب‌پذیری به حد اعلا‌ی خود می‌رسد. به این ترتیب خانوار مستعد بیماری و مرگ و میر می‌باشد (چمبرز، ۱۳۷۷: ۱۴۶-۱۴۲). آسیب‌پذیری کمبود واقعی نیست، بلکه کمبود زمان ریسک است (چمبرز، ۱۹۸۹: ۱۴۰).

۵) بی‌قدرتی خانوار: عدم شناخت قانون، عدم آگاهی حقوقی، عدم توان رقابت با دیگران برای اشتغال و خدمات در شرایط یکسان، سبب می‌شود که خانوار به راحتی قربانی غارتگری‌های قدرتمندان گردند. به این ترتیب موقعیت پایین طی نسل‌ها به ارث به این خانوارها می‌رسد. همچنین این خانوارها برای استفاده از نیروی کار خود و یا برای فروش محصولات خود از قدرت چانه‌زنی پایینی برخوردار هستند (چمبرز، ۱۳۷۷: ۱۴۳).

به‌طور کلی می‌توان جمعیت فقیر روستا را به چند دسته تقسیم کرد: دسته اول اجتماعی هستند که فقر سراسر آن را فرا گرفته است که این امر به دلیل دور افتادگی و منابع ناکافی آن‌ها است. دسته دوم اجتماعی هستند که در درون آن‌ها، بین فقر و غنا فاصله چشمگیری

وجود دارد، این دسته خانواده‌های هستند که با وجود داشتن واحدهای اقتصادی مشترک، به طور فزاینده‌ای از نظر تولید، کسب درآمد و مصرف مشترک از یکدیگر متمایز می‌باشد (چمبرز، ۱۳۷۷: ۱۴۶). بنابراین با توجه به اهمیت عوامل اقتصادی در به وجود آمدن فقر و عقب‌ماندگی روستاها، اقشار روستایی که در تأمین حداقل نیاز و بهره‌گیری از خدمات زیربنایی عمومی و رفاهی ناتوان هستند، می‌توان جزء قشر آسیب‌پذیر یا فقیر جامعه روستایی قلمداد کرد. در سطح ملی (از کیا، ۱۳۸۱: ۳۰) کلیه گروه‌ها و اقشاری را که در نزدیکی خط فقر قرار دارند جزء گروه‌های آسیب‌پذیر قلمداد می‌کنند. در صورتی که اقشار آسیب‌پذیر جامعه مورد حمایت دولت (بخش عمومی) قرار نگیرند به سمت فقر بیشتر و اسارت در تله محرومیت رانده می‌شوند. یکی از مشکلات رویاروی روستاییان منطقه‌ی مورد مطالعه، به ویژه در سال‌های اخیر، خشک‌سالی‌های پی‌درپی، کاهش میزان آب‌های زیرزمینی و رودخانه‌ای، کاهش عملکرد در هکتار محصولات کشاورزی تولیدی، افزایش هزینه‌های تولید، افزایش نیافتن قیمت محصولات کشاورزی متناسب با افزایش هزینه‌های تولید و بیکار شدن بر اثر خشکسالی، بوده است. این در حالی است که بهره‌وری عوامل تولید و به‌طور مشخص عملکرد محصول در واحد سطح تقریباً ثابت مانده است، پیامد این مسئله کاهش انگیزه روستاییان مخصوصاً کشاورزان، پایین آمدن سودآوری تولید محصولات مهم تولیدی در منطقه مانند برنج و گوجه و همچنین کاهش انگیزه برای سرمایه‌گذاری در بخش مکانیزاسیون می‌شود. با توجه به درآمد حاصل شده از تولید محصولات زراعی و دامی در حال حاضر و جمعیت زیاد کشاورزان منطقه، لازم است برای خارج شدن مناطق روستایی مخصوصاً مناطق کشاورزی از وضعیت نامساعد موجود و سوق دادن آن‌ها به سمت پویایی اقتصادی، سیاست‌هایی جهت افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه تولید، اصلاح نظام بازار، اصلاح نظام قیمت‌گذاری محصول و اشتغال اتخاذ شود. هدف کلی از انجام این پژوهش بررسی ریشه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، عوامل زیان‌آور و نامطلوبی که به یکدیگر گره خورده و عامل به وجود آورنده، تله محرومیت، نامیده می‌شود، بوده و در نهایت راهکارهایی مناسب در این زمینه ارائه می‌شود.

مروری بر ادبیات موضوع

با توجه به عدم وجود مطالعه‌ای جامع در زمینه وجود مفاهیم موجود در مدل تله محرومیت در مناطق روستایی منطقه مورد مطالعه و حتی در سایر مناطق کشور؛ بنابراین انجام مطالعات پژوهشی در زمینه شناخت دقیق و علمی مسئله تله محرومیت و عوامل مؤثر بر آن گام نخست و ضروری برای تنظیم برنامه‌های کارآمدتر توسعه روستایی و بهبود وضعیت زندگی روستاییان

در منطقه مورد مطالعه و سایر مناطق محروم خواهد بود. از آنجا که مطالعه‌ی تحت عنوان تله محرومیت در مناطق روستایی انجام نشده است، در ادامه به بررسی مطالعات انجام شده در مورد بعضی از مفاهیم موجود در تله محرومیت پرداخته شده است. نتایج مطالعه پقه و همکاران (۱۳۸۰) تحت عنوان تعیین‌کننده‌های اقتصادی - اجتماعی فقر در مناطق روستایی کلاله نشان داد عوامل عمده فقر روستاییان، اقتصاد - کشاورزی، عوامل شغلی، روابط اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی است. از عوامل تعیین‌کننده و مؤثر در ایجاد فقر در کنار نابرابری‌های اقتصادی و همچنین توزیع غیر عادلانه‌ی منابع و درآمدها، می‌توان به فقدان سطح آگاهی در میان گروه‌های آسیب‌پذیر اشاره نمود. زاهدی‌مازندرانی (۱۳۸۴) نشان داد که توان پس‌انداز حدود ۶۰ درصد خانوارهای روستایی در ایران منفی می‌باشد. طبیعتاً در چنین شرایطی ساز و کار استقراض می‌تواند شرایط بقای خانوار را فراهم کند. منفی بودن توان پس‌انداز را باید به معنای وجود تله فقر و محرومیت در نقاط روستایی تلقی کرد. نتایج مطالعه ترکمانی و جلالی - مقدم (۱۳۸۴)، تحت عنوان اثر مخارج عمرانی دولت بر فقر زدایی در مناطق روستایی ایران، نشان داد، سرمایه‌گذاری در توسعه و عمران روستایی، جاده‌سازی، تحقیق و ترویج کشاورزی و در آبیاری بیشترین تأثیر را بر کاهش فقر روستایی دارند. نتایج مطالعه‌ی جمشیدی و خاتون آبادی (۱۳۹۱) که با هدف شناسایی علل و عوامل تله محرومیت در جوامع روستایی استان ایلام، مطالعه موردی مناطق برنج‌کاری شهرستان شیروان و چرداول انجام شده، نشان داد که دو مفهوم «بی قدرتی» و «فقر»، از پنج مفهوم موجود در مدل تله محرومیت در جامعه مورد مطالعه، بیشترین تأثیر را بر مدل مورد مطالعه دارند که به ترتیب، ۶۹ و ۶۲ درصد واریانس عوامل تعیین‌کننده تله محرومیت در منطقه را تبیین می‌کنند. بنابراین، وجود این دو مفهوم در منطقه مورد مطالعه تایید و به‌طور کلی وجود تله محرومیت به معنای واقعی در منطقه مورد مطالعه تایید نشده است.

مطالعات Cavendish (1999) در آفریقا حاکی از آن است که تقریباً ۳۵ درصد درآمد خانوارهای منطقه‌ی مورد مطالعه بر منابع زیست‌محیطی متکی است. وی همچنین دریافت که بین سهم درآمد خانواده از منابع زیست‌محیطی با کل درآمد خانوار رابطه منفی وجود دارد به طوری که فقرا بیش از ثروتمندان به این منابع وابسته‌اند. مطالعه Mcculloch & Calandrino (2003) با هدف بررسی آسیب‌پذیری و فقر مزمن در روستای سیچوان (واقع در کشور چین)، نشان داد که میانگین مصرف پایین، تعیین‌کننده اصلی فقر مزمن در منطقه است. خانوارهای که متوسط مصرف پایینی دارند دارای آسیب‌پذیری بالایی هستند و در تله فقر افتاده‌اند. نتایج دیگر این مطالعه نشان داد، اندازه خانوار با آسیب‌پذیری رابطه معنی‌دار و مثبت و مقدار دارایی

(سرمایه) خانوار با آسیب‌پذیری رابطه معنی‌دار و منفی وجود دارد. مطالعه‌ی به‌منظور بررسی نقش مخارج دولت در رشد کشاورزی و کاهش فقر در هندوستان با استفاده از داده‌های مربوط به سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۷۰ اقدام به تخمین سیستمی از معادلات همزمان انجام شد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که سرمایه‌گذاری بیشتر در امور جاده‌سازی دارای بیشترین تأثیر بر کاهش فقر روستایی است. همچنین، افزایش میزان مخارج دولت در امر تحقیقات و ترویج کشاورزی نیز موجب کاهش فقر روستایی می‌گردد (Fan et al., 2000). در مطالعه‌ی دیگر اثرات انواع مختلف سرمایه‌گذاری‌های دولت بر رشد کشاورزی و فقر روستایی در مناطق روستایی تایلد بررسی شد. نتایج بررسی نشان داد، سرمایه‌گذاری‌های دولتی در تحقیق و توسعه کشاورزی، آبیاری، آموزش روستایی و زیرساخت‌ها (جاده‌سازی و برق‌رسانی)، تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر کاهش فقر روستایی داشته است (Fan et al., 2003). مطالعه در آفریقای جنوبی، تحت عنوان فقر، آسیب‌پذیری و اثرات سیل، نشان داد که شرایط اقتصادی و اجتماعی تعیین‌کننده‌های اصلی آسیب‌پذیری هستند و همچنین نشان داد که مدیریت برخورد با حوادث تعیین‌کننده طول زمان آسیب‌پذیری در یک منطقه است (Khandlhe and May, 2006). در دوران پس از جنگ دوم جهانی نظریه‌پردازان متعددی همانند Freire (1970)، Kidd (1979) و Kolb (1984) به نقش آموزش در افزایش آگاهی عمومی جامعه و کاهش فقر تاکید کرده‌اند (جمشیدی و خاتون‌آبادی، ۱۳۹۱: ۸۴).

روش‌شناسی تحقیق

مطالعه حاضر از نظر هدف، کاربردی، از لحاظ میزان و درجه‌ی کنترل، میدانی و به جهت نحوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات نیز از نوع تحقیقات توصیفی و غیرتجربی (غیرآزمایشی) می‌باشد. جامعه آماری تحقیق کلیه خانوارهای ساکن در روستاهای شهرستان شیروان و چرداول بوده که در امر کشاورزی (زراعت یا دام‌پروری و یا هر دو باهم) اشتغال دارند که جمعیتی برابر با ۸۰۹۹ نفر بودند. حجم نمونه مورد مطالعه با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی چند مرحله‌ای (دهستان‌های شهرستان مورد نظر، به علت متفاوت بودن منطقه مورد نظر از لحاظ آب و هوایی، طبقات این مطالعه را تشکیل می‌دهند) انتخاب گردید (۱۹۱ نفر). لیکن برای جلوگیری از خطا و بالا رفتن اطمینان از یافته‌های تحقیق، پس از رایزنی با صاحب‌نظران در علوم آماری ۵٪ بر نمونه بدست آمده افزوده شده، تعداد نمونه به ۲۰۰ بهره‌بردار افزایش یافت. برای گردآوری اطلاعات از روش ترکیبی مصاحبه و تکمیل پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. برای شاخص‌سازی مفاهیم تحقیق، در مرحله نخست با ارائه یک تعریف عملیاتی

از مفهوم تله محرومیت بر اساس دیدگاه نظری چمبرز (۱۹۸۹)، شاخص‌های اصلی تعیین وضعیت تله محرومیت در منطقه انتخاب شدند. مراحل اصلی شاخص سازی و شاخص‌های درجه یک و درجه دو با جزئیات بیشتر در جدول (۱) ارائه شده است. روش شاخص سازی در این تحقیق مبتنی بر تحلیل‌های آماری نظیر رگرسیون چند متغیره و تحلیل عاملی بوده و در کنار آن به عنوان مقایسه و تکمیل، از روش تحلیل خوشه‌ای نیز جهت دسته‌بندی و اولویت‌بندی برخی از عوامل دخیل در شاخص سازی از نظر پاسخگویان استفاده شده است. ابزار اصلی تحقیق پرسشنامه می‌باشد که روایی محتوایی گویه‌ها توسط متخصصان و صاحب‌نظران مورد تأیید قرار گرفت. به منظور بررسی پایایی ابزار مورد تحقیق مطالعه‌ی پیش‌راهنما، یک نمونه ۳۰ نفری خارج از نمونه اصلی انتخاب و پرسشنامه بین آن‌ها توزیع و نظرات آن‌ها جمع‌آوری گردید، سپس بر مبنای نتایج تغییرات لازم در پرسش نامه مذکور صورت گرفت. نتایج به دست آمده از پیش آزمون، حاکی از اعتماد یا پایایی قابل قبول ابزار مورد مطالعه (پرسشنامه) می‌باشد (آلفای کرونباخ محاسبه شده برای سازه‌های مختلف مورد بررسی در دامنه ۰/۸۱۵ و ۰/۸۸۵ به دست آمد). در این پژوهش برای محاسبه تله محرومیت از روش‌های تحلیل مسیر استفاده شد. برای تجزیه داده‌های حاصل از پژوهش با توجه به تعداد متغیرها و سطح سنجش آن‌ها، از روش‌های آمار توصیفی مانند درصد فراوانی، میانگین، انحراف معیار و آمار استنباطی مانند ضریب همبستگی استفاده شد. نرم‌افزار مورد استفاده در این پژوهش، SPSS₁₃ می‌باشد.

جدول (۱) شاخص‌های درجه یک و درجه دو مفاهیم پنج‌گانه تله محرومیت

بی‌قدرتی	انزوا	آسیب‌پذیری	ضعف جسمانی	فقر
۱- طبقه سیاسی اجتماعی کشاورز؛ (طبقه اجتماعی، طبقه سیاسی فرهنگی)	۱- فقدان آموزش ۲- دور افتادگی و خارج از دسترس؛ (فاصله تا مرکز استان، فاصله تا مرکز شهرستان، فاصله تا نزدیک‌ترین شهر، فاصله از مرکز خدمات کشاورزی)	۱- در حاشیه بودن؛ (فاصله از نزدیک‌ترین مرکز سرویس‌دهی، فاصله از مرکز خدمات)	۱- فاصله تا مرکز بهداشت؛ ۲- ناتوانی در دسترسی به خدمات بهداشتی؛ (فاصله زیاد تا مراکز بهداشتی، نبود مرکز بهداشت در منطقه، بالا بودن هزینه خدمات بهداشتی)	۱- تولید محصول؛ (نهاده مصرفی، میزان برداشت محصول در هکتار، میزان محصول اضافی برداشت شده)
۲- دشواری در کسب وام و اعتبارات؛ ۳- پایین بودن قدرت چانه زنی (در مواقع اضطراری برای فروش، نداشتن طبقه اجتماعی مشخص، انسجام نداشتن طبقه فقیر)	۳- سطح سواد ۴- دشواری در کسب وام ۵- فقدان تماس با رهبران سیاسی؛ (تماس یا فرماندار در سال، تماس یا نماینده مجلس شورای اسلامی در سال)	۲- آفت زدگی زیاد محصولات؛ (نوع محصول، نوع آفت، میزان خسارت، میزان تولید مورد انتظار، میزان تولید فعلی) ۳- تجهیزات مورد استفاده در تولید محصولات کشاورزی ۴- منابع دولتی مورد استفاده (وام، نهاده‌های سوسپندار، استفاده از کلاس‌های آموزشی)	۲- بهره‌وری؛ (میزان نهاده مصرفی، نیروی کار، میزان سرمایه‌گذاری، هزینه‌های تولید، هزینه‌های فراوری، سطح زیر کشت)	۲- درآمد (مالک بودن زمین، نوع محصول تولید شده، نوع نهاده کشاورزی بکار رفته، نوع منابع اعتباری، درآمدهای جانبی، میزان تولید)

مأخذ: یافته‌های پژوهش و جمشیدی و خاتون‌آبادی (۱۳۹۱)

بحث و نتایج

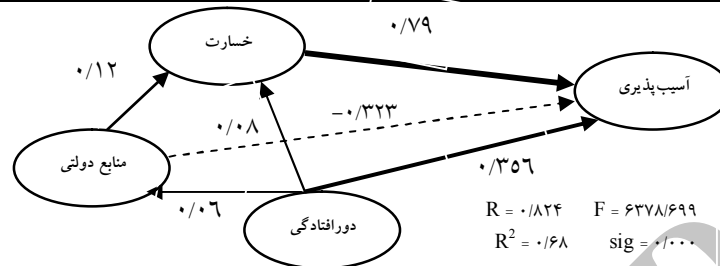
ویژگی‌های شخصی بهره‌برداران

نتایج نشان داد، بیشترین افراد نمونه مورد بررسی، در رده سنی ۵۱ تا ۶۰ سال قرار دارد. همچنین، میانگین سن سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه ۵۶/۵ سال بود. ۴۱ درصد آن‌ها بی-سواد بودند که حاکی از سطح سواد پایین در بین روستاییان منطقه‌ی مورد مطالعه است. میانگین اعضای خانوار در نمونه مورد بررسی ۶ نفر می‌باشد. همچنین شغل اصلی ۷۸ درصد افراد مورد مطالعه کشاورزی بود و ۶۵ درصد افراد مورد مطالعه دارای شغل‌های جانبی مانند دامداری، دهیار، دکاندار، معلم، راننده‌ی تراکتور و هستند. نتایج نشان داد، در منطقه‌ی مورد مطالعه به‌طور متوسط ۹۳ درصد از روستاییان به‌طور همزمان به زراعت دیم و آبی مشغول می‌باشند. ۳۶ درصد بهره‌برداران مورد مطالعه، وسعت کل اراضی‌شان (آبی و دیم) کمتر از ۵ هکتار می‌باشد. میانگین میزان زمین در دسترس خانوارهای مورد مطالعه (آبی و دیم) ۷/۸ هکتار می‌باشد که کمترین و بیشترین مقدار آن به‌ترتیب برابر با ۰/۵ و ۲۳ هکتار بود. این امر نابرابری توزیع اراضی کشاورزی در بین خانوارهای روستایی منطقه مورد مطالعه را نشان می‌دهد. ۶۶ درصد از اراضی مورد استفاده بهره‌برداران به صورت ملکی (شخصی) می‌باشد. همچنین، متوسط فاصله زمین تا مرکز روستا ۲/۵ کیلومتر می‌باشد. متوسط تعداد محصولات مورد کشت که نشانه تنوع کشت و یکی از ویژگی‌های کشاورزی سنتی غیرتجاری است، سه محصول، برنج، گندم و نخود است. این مقدار در بین خانوارهای مختلف از دو محصول تا پنج محصول متغیر می‌باشد. از نتایج دیگر این تحقیق می‌توان به این موضوع اشاره کرد ۸۵ درصد اراضی منطقه پراکنده و قطعه‌قطعه می‌باشند.

یافته‌های استنباطی

تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر تشکیل عامل آسیب‌پذیری

شکل ۱ الگوی عوامل مؤثر بر آسیب‌پذیری روستاییان منطقه‌ی مورد مطالعه را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، متغیرهای خسارت، در دسترس بودن منابع دولتی و راحتی استفاده از آن‌ها و دورافتادگی محل سکونت اثر مستقیم و غیرمستقیم و معنی‌داری بر عامل آسیب‌پذیری در منطقه مورد نظر دارند.



شکل (۱) الگوی عوامل مؤثر بر تشکیل عامل آسیب پذیری

ماتریس ضرایب همبستگی متغیرها با عامل آسیب پذیری، در جدول ۲ نشان می‌دهد، که متغیر خسارت ($P < 0/01$ و $r = 0/901$) و متغیر دورافتادگی ($P < 0/01$ و $r = 0/512$) دارای همبستگی معنی‌دار و مثبت و متغیر میزان و راحتی استفاده از منابع دولتی ($P < 0/01$) و $r = -0/430$) دارای همبستگی معنی‌دار و منفی با عامل آسیب پذیری می‌باشند.

جدول (۲) ماتریس ضرایب همبستگی عوامل مؤثر بر تشکیل عامل آسیب پذیری

متغیرها	خسارت	منابع دولتی	دورافتادگی	آسیب پذیری
خسارت	۱			
منابع دولتی	$(0/004) - 0/202^{**}$	۱		
دورافتادگی	$(0/03) 0/156^*$	$(0/002) - 0/223^{**}$	۱	
آسیب پذیری	$(0/000) 0/901^{**}$	$(0/001) - 0/403$	$(0/000) 0/512^{**}$	۱

منبع: یافته‌های تحقیق

تفکیک اثر مستقیم و غیر مستقیم متغیرها بر عامل آسیب پذیری در جدول ۳ نشان‌دهنده این موضوع است که متغیرهای میزان خسارت و دورافتادگی محل سکونت روستاییان بیشترین اثر مستقیم مثبت و معنی‌دار را بر آسیب پذیری دارد ($P < 0/01$)، به عبارت دیگر می‌توان گفت با توجه به اینکه جوامع روستایی، مخصوصاً منطقه مورد نظر، وابستگی زیادی به کشاورزی و محصولات تولیدی خود دارند و این مناطق، مناطقی معیشتی و خود مصرف می‌باشند. بنابراین در صورت بروز عوامل خسارت‌زا مانند خشکسالی یا طغیان آفت، روستاییان این منطقه با مشکلات جدی روبرو خواهند شد. همچنان که در این منطقه به علت بروز خشکسالی در چند سال اخیر خسارت زیادی به مناطق روستایی منطقه وارد شد. همچنین، روستاهایی که در فاصله بیشتری از مراکز سرویس‌دهی مانند مرکز استان، مرکز شهرستان، و مراکز خدمات کشاورزی و غیره قرار دارند به علت دوری راه و نبود یا کمبود وسایل حمل و نقل، در زمان

مقرر و مناسب نمی‌توانند احتیاجات ضروری خود را برآورده کنند. این وسایل می‌تواند وسایل اولیه مورد نیاز زندگی مانند خوراک، پوشاک، وسایل و امکانات بهداشتی و یا نهاده‌های تولید کشاورزی باشد، این عوامل می‌توانند به‌طور مستقیم بر آسیب‌پذیر بودن روستاییانی که در مناطق دوردست شهرستان قرار دارند، تأثیر بگذارند.

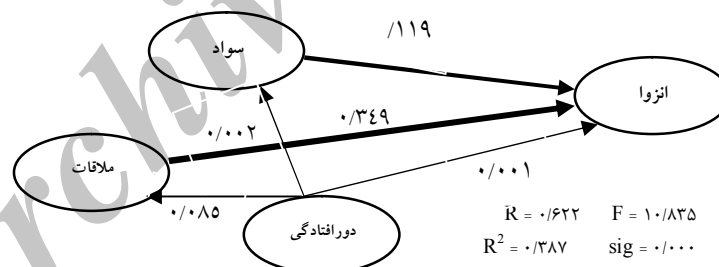
جدول (۳) تجزیه آثار عوامل مؤثر بر تشکیل عامل آسیب‌پذیری

متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	ضریب همبستگی
خسارت	۰/۷۹	۰	۰/۷۹	۰/۹۰۱
منابع دولتی	-۰/۳۲۳	۰/۰۹۴	-۰/۲۲۸	-۰/۴۳
دورافتادگی	۰/۳۵۶	۰/۰۴۹	۰/۴۰۵	۰/۵۱۲

منبع: یافته‌های تحقیق

تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر تشکیل عامل انزوا

الگوی عوامل مؤثر بر انزوای روستاییان منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد (شکل ۲) که عوامل ملاقات با نخبگان محلی، منطقه‌ای (سیاسی و اجتماعی) برای ارجاع و رفع مشکلات خود، سطح سواد و دورافتادگی محل زندگی خانوار اثر مستقیم و معنی‌داری بر عامل انزوا دارند.



شکل (۲) الگوی عوامل مؤثر بر تشکیل عامل انزوا

تفکیک آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر انزوای مناطق روستایی مورد مطالعه در جدول ۵ نشان می‌دهد که ملاقات با نخبگان محلی، منطقه‌ای (سیاسی و اجتماعی) بیشترین تأثیر را بر انزوای مناطق روستایی مورد مطالعه دارد. به‌عبارتی می‌توان گفت روستاهای دورافتاده‌تر نسبت به مرکز شهرستان به علت فاصله‌ی زیاد، سختی مسیر و نبود و یا کمبود وسایل حمل و نقل نسبت به روستاهای نزدیک‌تر به راحتی نمی‌توانند به ملاقات مسئولین سیاسی اجتماعی منطقه (فرماندار، بخش‌دار، نماینده‌ی مجلس، امام جمعه و ...) بروند و مسئولین نیز برای

سرکشی و بازدید از مناطق روستایی حاشیه شهرستان اجباراً وقت زیادی را صرف کنند تا به آن مناطق برسند و در بعضی مواقع از سرکشی به آن مناطق صرف نظر می‌کنند. به‌طور کلی ساکنان روستاهای نزدیک‌تر به مرکز شهرستان، و حتی مراکز سرویس‌دهی در شهرهای هم‌جوار، راحت‌تر و بیشتر می‌توانند به ملاقات با خبرگان اجتماعی و سیاسی منطقه خود بروند و مشکلات خود را با آن‌ها در میان بگذارند تا برای رفع آن مشکلات اقدام شود.

جدول (۴) ماتریس ضرایب همبستگی عوامل مؤثر بر تشکیل عامل انزوا

متغیرها	سواد	ملاقات	دورافتادگی	انزوا
سواد	۱	۰/۰۸۶ (۰/۲۲۶)	۰/۰۳۴ - (۰/۶۳۴)	۰/۱۴۹* - (۰/۰۳۶)
ملاقات	۰/۰۸۶ (۰/۲۲۶)	۱	۰/۰۳۴* - (۰/۰۰۱)	۰/۰۳۶** - (۰/۰۰۰)
دورافتادگی	۰/۰۳۴ - (۰/۶۳۴)	۰/۰۳۴* - (۰/۰۰۱)	۱	۰/۴۰۲** - (۰/۰۰۰)
انزوا	۰/۱۴۹* - (۰/۰۳۶)	۰/۰۳۶** - (۰/۰۰۰)	۰/۴۰۲** - (۰/۰۰۰)	۱

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۵) تجزیه آثار عوامل مؤثر بر تشکیل عامل انزوا

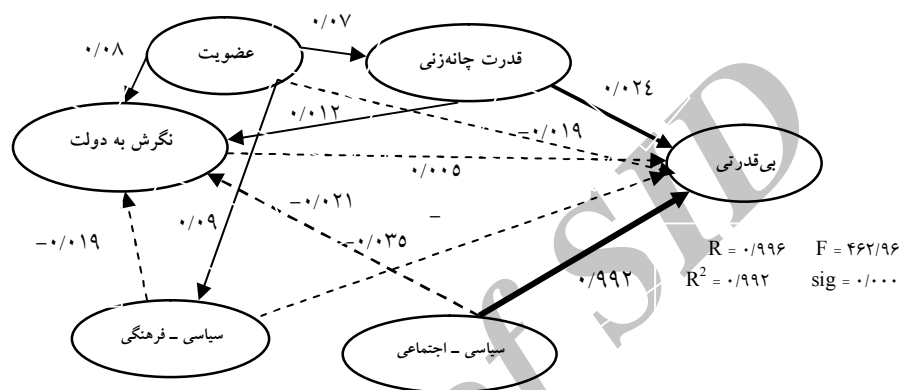
متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	ضریب همبستگی
سواد	۰/۱۱۹	۰	۰/۱۱۹	-۰/۱۴۹
ملاقات	۰/۳۴۹	۰	۰/۳۴۹	-۰/۳۶۰
دورافتادگی	۰/۰۰۱	۰/۰۲۹	۰/۰۳	۰/۴۰۲

منبع: یافته‌های تحقیق

تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر تشکیل عامل بی‌قدرتی

شکل ۳ الگوی عوامل مؤثر بر تشکیل عامل بی‌قدرتی در منطقه مورد مطالعه را نشان می‌دهد. مشاهده می‌شود که متغیرهای عضویت در گروه‌های ثانویه، نگرش روستاییان به دولت (در برآورد احتیاجاتشان و حل مشکلات آن‌ها)، ویژگی‌های سیاسی و فرهنگی، ویژگی‌های سیاسی اجتماعی و قدرت چانه‌زنی روستاییان بر تشکیل عامل بی‌قدرتی مؤثر می‌باشند. همان‌طور که در جدول ۶ نیز مشاهده می‌شود، متغیر سیاسی - اجتماعی نیز با متغیرهای نگرش به دولت و قدرت چانه‌زنی دارای رابطه‌ی مستقیم و معنی‌داری می‌باشد. در واقع هرچه روستاییان از لحاظ طبقه‌ی سیاسی - اجتماعی قدرتمندتر باشند، علاوه بر اینکه دارای نگرش بهتری به دولت دارند (شاید بتوان گفت که این قشر کمتر محتاج و چشم به کمک همیشگی دولت دارند)، دارای قدرت چانه‌زنی بیشتری می‌باشند، همچنین این افراد با توجه به مدل چمبرز (۱۹۸۹) دارای

شناخت کافی از قوانین و حقوق خود بوده و می‌توانند برای کسب شغل و دریافت خدمات با دیگران رقابت کنند، که این عوامل خودبه‌خود باعث کاهش بی‌قدرتی روستاییان خواهد شد.



شکل (۳) الگوی عوامل مؤثر بر تشکیل عامل بی‌قدرتی

جدول (۶) ماتریس ضرایب همبستگی عوامل مؤثر بر تشکیل عامل بی‌قدرتی

متغیرها	عضویت	نگرش به دولت	سیاسی - فرهنگی	سیاسی - اجتماعی	چانه‌زنی	بی‌قدرتی
عضویت	۱					
نگرش به دولت	۰/۳۸۷ ^{**}	۱				
سیاسی - فرهنگی	۰/۳۸۹ ^{**}	۰/۷۰۶ ^{**}	۱			
سیاسی - اجتماعی	۰/۱۱۸ ^{BS}	۰/۱۷۱ [*]	۰/۲۴۴	۱		
چانه‌زنی	۰/۲۰۵ ^{**}	۰/۰۷ ^{BS}	۰/۰۴۷ ^{BS}	۰/۱۶۶ [*]	۱	
بی‌قدرتی	۰/۱۴۷ [*]	۰/۱۵۰ [*]	۰/۰۴۹ ^{**}	۰/۱۹۴ ^{**}	۰/۱۹۴ ^{**}	۱

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۷) تجزیه آثار عوامل مؤثر بر تشکیل عامل بی‌قدرتی

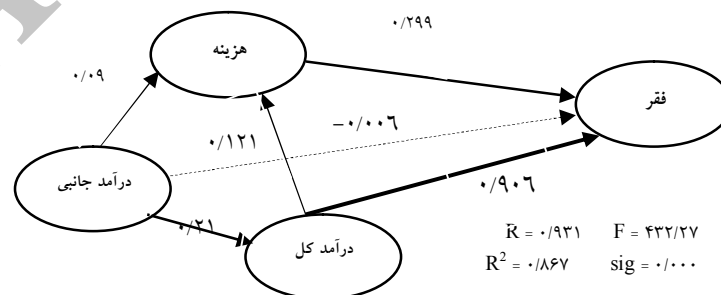
متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	ضریب همبستگی
عضویت	-۰/۰۱۹	-۰/۰۰۱۴	-۰/۰۲	-۰/۱۴۷
نگرش به دولت	-۰/۰۰۵	۰	-۰/۰۰۵	۰/۱۵۰
سیاسی - فرهنگی	-۰/۰۳۵	۰/۰۰۰۹۵	-۰/۰۳۴	-۰/۰۴۹
سیاسی - اجتماعی	۰/۹۹۲	۰/۰۰۱۰۵	۰/۹۹۳	-۰/۹۹۴
چانه‌زنی	۰/۰۲۴	-۰/۰۰۰۰۶	۰/۰۲۳۹	-۰/۱۹۴

منبع: یافته‌های تحقیق

تفکیک اثر مستقیم و غیر مستقیم متغیرها بر عامل بی‌قدرتی در منطقه مورد مطالعه در جدول ۷ نشان می‌دهد که ویژگی‌های سیاسی - اجتماعی بیشترین اثر مستقیم را بر عامل بی‌قدرتی در منطقه مورد مطالعه دارد ($p < 0/01$). همچنین مشاهده می‌شود که اثر مستقیم متغیر ویژگی‌های سیاسی - اجتماعی ($0/992$) قسمت اعظم ضریب همبستگی این متغیر را با عامل بی‌قدرتی ($0/994$) را تشکیل می‌دهد.

تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر تشکیل عامل فقر

الگوی عوامل مؤثر بر تشکیل عامل فقر در منطقه‌ی مورد مطالعه در شکل ۴ مشاهده می‌شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود، درآمد کلی خانوار و هزینه‌های مورد استفاده در بخش کشاورزی اثر مستقیم و معنی‌داری بر عامل فقر دارند و همچنین، درآمدهای جانبی خانوار اثر مستقیم و منفی بر عامل فقر، در آن منطقه، دارد. تفکیک آثار علی و غیر علی متغیرها بر عامل فقر در جدول ۹ نشان می‌دهد که درآمد کل خانوار بیشترین اثر مستقیم و معنی‌دار ($0/906$) را بر عامل فقر دارد. همچنین همان‌طور که ملاحظه می‌شود اثر غیرمستقیم درآمد جانبی خانوار ($0/224$) نیز قابل توجه می‌باشد. این امر نشان‌دهنده‌ی تأثیر بالا و مهم این متغیر در تشکیل فقر یا عدم تشکیل فقر را در منطقه‌ی مورد مطالعه نشان می‌دهد. زیرا با توجه به اینکه شغل اصلی در منطقه مورد مطالعه کشاورزی می‌باشد و با توجه به خشکسالی‌های پی در پی چند سال گذشته، کشاورزان منطقه آسیب‌های زیادی دیده‌اند و آن‌هایی که دارای شغل دوم و درآمد جانبی بوده‌اند به طبع کمتر دچار مشکل شده‌اند. همچنین، در خانوارهایی که در آن‌ها سرپرست خانوار به علت مریضی یا کهولت سن و غیره از کار افتاده بوده و سایر افراد خانوار نیز در کسب درآمدی غیر از درآمد کشاورزی ناتوانند نسبت به سایر خانوارهایی که توانایی انجام فعالیت‌های جانبی و درآمدزا را دارند، بیشتر به سمت فقر مادی کشیده می‌شوند.



شکل (۴) الگوی علی عوامل مؤثر بر تشکیل عامل فقر

جدول (۸) ماتریس ضرایب همبستگی عوامل مؤثر بر تشکیل عامل فقر

متغیرها	هزینه بخش کشاورزی	درآمد جانبی	درآمد کلی	فقر
هزینه بخش کشاورزی	۱	۰/۶۷۵** (۰/۰۰)	۰/۲۷۳* (۰/۰۱۳)	۰/۲۳۲** (۰/۰۰۱)
درآمد جانبی	۰/۶۷۵** (۰/۰۰)	۱	۰/۲۲۶** (۰/۰۰۱)	۰/۰۰۴ (۰/۹۸۶)
درآمد کلی	۰/۲۷۳* (۰/۰۱۳)	۰/۲۲۶** (۰/۰۰۱)	۱	۰/۸۸۱** (۰/۰۰۰)
فقر	۰/۲۳۲** (۰/۰۰۱)	۰/۰۰۴ (۰/۹۸۶)	۰/۸۸۱** (۰/۰۰۰)	۱

منبع: یافته‌های تحقیق

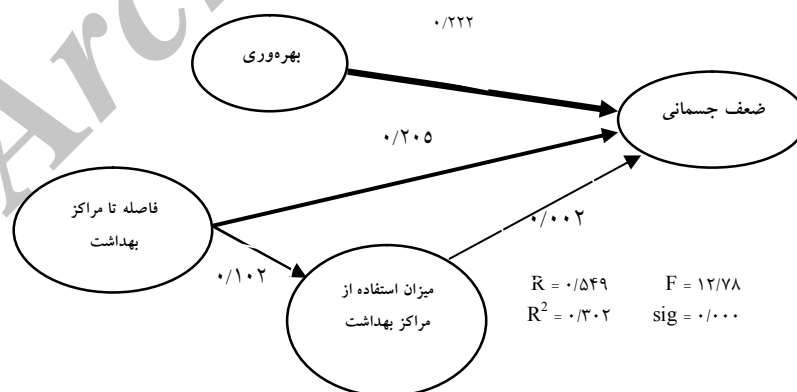
جدول (۹) تجزیه آثار عوامل مؤثر بر تشکیل عامل فقر

متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	ضریب همبستگی
هزینه بخش کشاورزی	۰/۲۲۹	۰	۰/۲۹۹	۰/۲۳۲
درآمد جانبی	-۰/۰۰۶	۰/۲۲۴	۰/۲۱۸	۰/۰۰۴
درآمد کلی	۰/۹۰۶	۰/۰۳۶	۰/۹۴۲	-۰/۸۸۱

منبع: یافته‌های تحقیق

تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر تشکیل عامل ضعف جسمانی

شکل ۵ الگوی عوامل مؤثر بر تشکیل عامل ضعف جسمانی در منطقه مورد مطالعه را نشان می‌دهد. همان‌طور که در این الگو مشاهده می‌شود، بهره‌وری عوامل تولید و نیروی انسانی و فاصله محل سکونت خانوار تا مرکز بهداشت در آن منطقه و میزان استفاده از آن دارای اثر مستقیم مثبت و معنی‌داری بر عامل ضعف جسمانی در منطقه مورد نظر را دارند.



شکل (۵) الگوی عوامل مؤثر بر تشکیل عامل ضعف جسمانی

عوامل مؤثر بر وجود یا عدم وجود عوامل اصلی تشکیل دهنده‌ی تله‌ی محرومیت ... ۱۲۷

ماتریس ضریب همبستگی متغیرهای تشکیل دهنده‌ی ضعف جسمانی منطقه‌ی مورد نظر (جدول ۱۰) نشان می‌دهد که متغیرهای بهره‌وری تولید و نیروی انسانی (۰/۲۶-) و میزان استفاده از خدمات بهداشتی (۰/۱۵۳-) دارای همبستگی منفی و معنی‌دار و متغیر فاصله محل سکونت خانوار تا مرکز بهداشت (۰/۲۴۶) دارای همبستگی مثبت و معنی‌داری با عامل ضعف جسمانی می‌باشند ($p < 0/01$). همچنین، تفکیک اثر مستقیم و غیر مستقیم این متغیرهای بر عامل ضعف جسمانی در جدول ۱۱ نشان می‌دهد که متغیر بهره‌وری (۰/۲۲۲) و فاصله محل سکونت خانوار تا مرکز بهداشت (۰/۲۰۵) بیشترین اثر مستقیم و معنی‌دار را بر عامل ضعف جسمانی دارند.

جدول (۱۰) ماتریس ضرایب همبستگی عوامل مؤثر بر تشکیل عامل ضعف جسمانی

متغیرها	بهره‌وری	فاصله تا مرکز بهداشت	میزان استفاده از مرکز بهداشت	ضعف جسمانی
بهره‌وری	۱	-	-	۰/۲۶** (۰/۰۰۰)
فاصله تا مرکز بهداشت	-	۱	-	۰/۲۴۶** (۰/۰۰۰)
میزان استفاده از مرکز بهداشت	-	۰/۱۵۳** (۰/۰۰۰)	۱	۰/۱۵۳** (۰/۰۰۰)
ضعف جسمانی	۰/۲۶** (۰/۰۰۰)	۰/۲۴۶** (۰/۰۰۰)	۰/۱۵۳** (۰/۰۰۰)	۱

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۱۱) تجزیه آثار عوامل مؤثر بر تشکیل عامل ضعف جسمانی

متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	ضریب همبستگی
بهره‌وری	۰/۲۲۲	۰	۰/۲۲۲	-۰/۲۶
فاصله تا مرکز بهداشت	۰/۲۰۵	۰/۰۰۰۲۰۴	۰/۲۰۵۲	۰/۲۴۶
میزان استفاده از مرکز بهداشت	۰/۰۰۲	۰	۰/۰۰۲	-۰/۱۵۳

منبع: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری

بی‌قدرتی رابطه منفی با نوع نگرش بهره‌برداران نسبت به دولت دارد و این نتیجه نشان می‌دهد که روستاییان معتقدند که بهبود و اصلاح جامعه روستایی و تأمین نهاده‌های کشاورزی مربوط به وظایف دولت است نه خود روستاییان، در واقع می‌توان گفت که هرچه روستاییان بیشتر انتظار داشته باشند، که بهبود و اصلاح جامعه روستایی و تأمین نهاده‌های کشاورزی مربوط به وظایف دولت است نه خود روستاییان، بی‌قدرتی بیشتر افزایش می‌یابد. در صورتی که روستاییانی که چنین انتظاری ندارند، دارای قدرت سیاسی - اجتماعی بیشتری نیز می‌باشند و

خود آن افراد به دنبال برطرف کردن مشکلات خود می‌روند. همچنین، این افراد چون به خود متکی می‌باشند دارای قدرت چانه‌زنی بالایی نیز می‌باشند. به‌طور کلی، در منطقه‌ی مورد مطالعه متغیر قدرت سیاسی - اجتماعی مهم‌ترین عامل در به وجود آمدن بی‌قدرتی در روستاهای مورد مطالعه می‌باشد.

با توجه به تأثیر بالای مفهوم فقر در مدل مورد مطالعه و با بررسی شاخص‌های تشکیل دهنده عامل فقر (تولید محصول و درآمد خانوار و هزینه) مشخص شد که متغیر درآمد کل خانوار بیشترین تأثیر را در به وجود آوردن عامل فقر در منطقه را دارا می‌باشد. این متغیر، با توجه به اینکه شغل اصلی بیشتر ساکنان روستاهای مورد مطالعه کشاورزی می‌باشد، می‌تواند ناشی از پایین بودن میزان تولید در واحد هکتار باشد، که یکی از مهم‌ترین عامل پیش‌برنده مفهوم فقر در منطقه است.

آسیب‌پذیری یکی دیگر از مفاهیم موجود در تله محرومیت است که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفت. همان‌طور مشاهده می‌شود، متغیر خسارت و دور افتادگی روستاها از مراکز سرویس‌دهی، در سطح ۱ درصد، رابطه معنی‌دار و مثبتی با به وجود آمدن عامل آسیب‌پذیری در منطقه دارند. البته می‌توان گفت که خسارت معمولاً در خیلی از مناطق روستایی وجود دارد، ولی با توجه به اینکه، در منطقه مورد مطالعه متغیر خسارت با عامل دورافتادگی از مراکز سرویس‌دهی باهم در خیلی از این روستاها وجود دارند و این عامل به عنوان مکمل یکدیگر در افزایش آسیب‌پذیری روستاییان می‌باشند.

ضعف جسمانی چهارمین متغیر موثر، مورد بررسی، در مدل تله محرومیت (تله فقر) است. همان‌طور که شرح داده شد، یکی از عوامل تأثیرگذار در به وجود آمدن مفهوم آسیب‌پذیری، میزان استفاده از امکانات بهداشتی، است. نتایج نشان داد، حدود ۶۹ درصد خانوارهای مورد مطالعه به‌میزان زیادی از امکانات بهداشتی، به علت موجود بودن مرکز بهداشت در روستای محل زندگی‌شان، استفاده می‌کنند. همچنین با توجه به پیشرفت علم در امور بهداشتی و افزایش میزان دستیابی روستاییان به خدمات بهداشتی می‌توان گفت که این عامل نمی‌تواند در به وجود آمدن ضعف جسمانی تأثیر بسزایی داشته باشد. ولی همان‌طور که در شکل ۵ مشاهده شد، متغیر بهره‌وری بیشترین تأثیر را بر عامل ضعف جسمانی روستاییان مورد مطالعه دارد.

آخرین مفهوم مورد مطالعه در مدل تله محرومیت، انزوا است. با بررسی شاخص‌های درجه یک و دو مفهوم انزوا (جدول ۵)، مشخص شد، متغیرهای ملاقات با نخبگان محلی، منطقه‌ای (سیاسی و اجتماعی) و دور افتادگی بیشترین تأثیر را بر انزوای مناطق روستایی مورد مطالعه دارد. به عبارتی می‌توان گفت روستاهای دورافتاده‌تر نسبت به مرکز شهرستان به علت فاصله‌ی

زیاد، سختی مسیر و نبود و یا کمبود وسایل حمل و نقل نسبت به روستاهای نزدیک‌تر، دیرتر از اوضاع و احوال اطراف خود باخبر می‌شوند. به‌طور کلی ساکنان روستاهای نزدیک‌تر به مرکز شهرستان، راحت‌تر و بیشتر می‌توانند به ملاقات با خیرگان اجتماعی و سیاسی منطقه خود بروند و مشکلات خود را با آن‌ها در میان بگذارند تا برای رفع آن مشکلات اقدام شود.

پیشنهادات

در پارادایم جدید توسعه روستایی مردم هم نقش محوری در تحقق فرایند توسعه دارند و هم خود هدف توسعه‌اند. بر این اساس توسعه روستایی فقط به معنای افزایش تولیدات کشاورزی، بهبود تغذیه و ارائه خدمات اساسی از قبیل آموزش، بهداشت و در یک کلام افزایش رفاه عمومی و بهبود سطح زندگی روستایی نیست بلکه متضمن مشارکت مردم در فرایند توسعه اجتماع محلی یعنی تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا و نیز به‌کارگیری تجربیات در جهت کنترل و بهره‌برداری از منابع محلی و بارور ساختن آن‌ها برای دستیابی، به رفاه اجتماعی نیز هست. این مشارکت مستلزم وجود قدرت پس‌انداز در بهره‌برداری‌های خانوادگی در اجتماعات روستایی و در نهایت تحقق فرایند انباشت سرمایه در اقتصاد روستایی است.

اعمال بیمه‌های از کارافتادگی و گسترش تأمین اجتماعی و نیز ایجاد فرصت‌های شغلی برای بیکاران اعضای گروه بیکاران و از کارافتادگان مناطق روستایی باعث کاهش فقر در این گروه و نیز در ابعاد ملی شود.

پیشنهاد می‌شود که دولت بجای دادن سوبسید به نهاده‌های تولید، سوبسید دهی خود را بیشتر به سمت خرید محصولات کشاورزی ببرد.

با توجه به اینکه، یکی از مؤثرترین راه‌های رسیدن به توسعه واقعی و با دوام، جلب مشارکت مردم در فرایند توسعه از مرحله تصمیم‌گیری تا اجرا، است. پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزی‌ها ناحیه‌ای جایگزین برنامه‌ریزی‌های ملی و از بالا به پایین شود که این روش با صرفه‌ترین و پایدارترین روش است. همچنین با توجه به رهیافت‌های جدید توسعه روستایی، که اغلب تحت عنوان «توسعه روستایی یکپارچه» طرح می‌شوند، بر افزایش درآمد روستاییان، کاهش فقر و نابرابری و افزایش ارزش افزوده اقتصادی در بخش روستایی تأکید شده است، باید به تمامی جوانب توسعه روستایی تأکید شود.

منابع و ماخذ

۱. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱) فقر، آسیب‌پذیری و توسعه مطالعه موردی منطقه روستایی گرمسار. نامه علوم اجتماعی شماره ۲۰، صص ۲۹-۵۲.
۲. یقه، نورمحمد. ازکیا، مصطفی و رضوانفر، احمد (۱۳۸۰) تعیین‌کننده‌های اقتصادی فقر در مناطق روستایی کلاله. اقتصاد کشاورزی و توسعه. سال نهم، شماره ۳۴، صص ۲۵۸-۲۷۰.
۳. ترکمانی، جواد و جمالی‌مقدم، الهام (۱۳۸۴) اثرات مخارج عمرانی دولت بر فقرزدایی در مناطق روستایی ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۱۷۴-۱۵۳.
۴. جمشیدی، علیرضا و خاتون‌آبادی، احمد (۱۳۹۱) شناسایی علل و عوامل تله محرومیت در جوامع روستایی استان ایلام: مطالعه موردی مناطق برنج کاری شهرستان شیروان و چرداول. روستا و توسعه، سال ۱۵، شماره ۲، صص ۷۹-۱۰۸.
۵. چمبرز، ریچارد (۱۳۷۷) توسعه روستایی اولویت بخشی به فقرا. ترجمه مصطفی ازکیا. انتشارات دانشگاه تهران.
۶. زاهدی‌عقبی، ابراهیم (۱۳۷۵) الگوهای توسعه و فقر زدایی. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره ۱۵، صص ۱۹۳-۲۰۶.
۷. زاهدی‌مازندرانی، محمدجواد (۱۳۸۴) توان‌پس‌انداز خانوارهای روستایی و آثار آن بر مشارکت روستاییان در فرایند توسعه. مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه. سال سیزدهم، شماره ۴۹، صص ۲۷-۶۲.
۸. جمعه‌پور، محمود. و احمدی، شکوفه (۱۳۹۰) تأثیر گردشگری بر معیشت پایدار روستایی (مطالعه‌ی موردی: روستایی برغان، شهرستان ساوجبلاغ). پژوهش‌های روستایی، سال ۲، شماره ۱، صص ۳۳-۶۳.
۹. مؤمنی، فرشاد. و یوسفی، محمدقلی. و مبارک، اصغر (۱۳۸۹) بررسی عوامل تعیین‌کننده‌ی رشد بهره‌وری و فقر در مناطق روستایی ایران. پژوهش‌های روستایی، سال ۱، شماره ۱، صص ۱۰-۳۲.

Cavendish, W (1999) *Empirical Regularities in the Poverty – Environment Relationship of Africa Rural Households TH*. Huxley School, London, UK.

Chambers, R (1989) *Vulnerability and how the poor cope*. In: IDS Bull, 20(2), 1-7.

Fan, S. Hazell, P. and Thorat, S (2000) *Government Spending, Growth and Poverty in Rural India*. American Journal of Agricultural Economics, 82, 1038- 1051.

Fan, S. Jistuchon, S. and Methakunnavut, N (2003) *Impact of public investment on poverty on poverty reduction in Thailand*. Retrieved from the worldwide. Web: www.adb.org.

Freire, P (1970) *Pedagogy of the oppressed*. New York: Herder & Herder.

Khandlhela, M. May, J (2006) *Poverty, vulnerability and the impact of flooding in the impopo Province, South Africa*. Nat Hazards, 39, 275-287.

Kidd, R (1979) *Liberation or demonstration*. Educational Broadcasting International, 12 (11), 3-9.

Kolb, d (1984) *Experiential Lerninig: Experience as the source of lerning & Development*. N.J: Prentice Hall.

Mcculloch, N. and Calandrino, M (2003) *Vulnerability and Chronic Poverty in Rural Sichuan*. World Development, 31 (3), 611-628.